

واژه‌ها، نشانه‌ها و شناسایی‌های دانشی

نشانه‌ها:

دانش: مجتمع تلاش‌های خودخواست و پویایی است که هستی‌های جهان را، در خود و در رابطه با یکدیگر، مشاهده می‌نماید، به پرسش می‌گذارد، پاسخ‌یابی می‌کند و با فرانگری، جستجوگر نظرگاهی، جهت‌ی و معنایی برای آنهاست.

فن‌آوری: مجتمع راهکارهای دانش است که پرسش‌هایی را طرح می‌نماید، پاسخ‌ها را دسته‌بندی می‌کند، بکار می‌گیرد و کارایی آنها را نشان می‌دهد. هر فن‌آوری وضعیتی از پویایی دانش را روشن و متمایز می‌نماید، نظرگاهی، جهت‌ی و معنایی از آن را به نمایش می‌گذارد. رشد کردن: پویایی نظرگاه‌های دانش است در گسترش و ژرفا یافتن، جهت‌دار و با معنی شدن و حساسیت پیدا کردن.

عوامل موثر: در همان نشانه‌هایی است که از دانش، فن‌آوری، و رشد دادیم: خودخواستن، آزاد و آگاه بودن، فرانگری، مشاهده کردن، پرسیدن، پاسخ‌یافتن، راهکار داشتن، دسته‌بندی کردن، بکار گرفتن، فن‌آوری داشتن، پویا بودن، نظرگاه داشتن ... است.

شناسایی‌ها

با نشانه‌هایی که از دانش، فن‌آوری، رشد و عوامل موثر داده شد به شناسایی‌هایی چند می‌رسیم:

مجتمع دانشی: با همی تلاش‌های خودخواسته و پویا است در مشاهده و پرسش کردن، پاسخ و راهکار یافتن، گسترش و ژرفا دادن، جهت‌دار و با معنی بودن، فن‌آوری داشتن و حساسیت بختیدن به نظرگاه‌های دانش.

تلاش دانشی: توانمندی و پویایی دانش است درخواستن، مشاهده کردن، پرسیدن، پاسخ دادن، فرانگری، راهکاریابی، معنی و جهت دادن به نظرگاه‌ها.

خواست: تلاش آزادانه و آگاهانه است.

آزادی: تلاش خودخواست و آگاهانه است.

آگاهی: تلاش خود خواست و آزادانه است.

پویایی: توانمندی نظرگاه‌های دانش است برای پرسیدن و پاسخ یافتن در زمینه‌ها، ابعاد، زوایا، زمان‌ها، مکان‌ها، وضعیت‌ها و موقعیت‌های بی‌شماری که در هستی‌های جهان دارد.

فرانگری دانشی: دانش فرانگر است: از درون و برون به مشاهده تلاش‌های خود در جهان می‌پردازد، از یک سو خود را در آنچه کرده، می‌کند و خواهد کرد و از سوی دیگر خود را در جهان و درگیری با دانش‌های دیگر به پرسش می‌گذارد و می‌کوشد تا برای هستی دانشی خود جهت، معنی، گستردگی و ژرفای جاویدان بیاید.

مشاهده دانشی: درگیری خودخواسته دانشمند، با تمام حواس، با خود و با هستی‌های جهان است.

پرسش دانشی: تلاش خودخواسته و آزادانه است در جهت آگاهی و معنی‌یابی برای هستی‌ها.

پاسخ دانشی: آگاهی است که با خواست و آزادی داده شده است: هر پاسخ دانشی یک قانون است.

راه کار دانشی: تلاش در جهت کارایی و بارآوری پرسش‌ها و پاسخ‌ها است. دانشمند: هستی توانمندی است که تلاش‌های خود را در نظرگاهی از دانش هماهنگ می‌کند.

توان دانشی: خواستن آگاهانه و آزادانه است. آسیب دانشی: کاهش توان دانش و دانشمند است در خودخواستگی، آزادی و آگاهی برای مشاهده، پرسش، پاسخ، فن‌آوری، جهت، معنی، گستردگی و ژرفا دادن به دانش. گستردگی دانشی: در فراوانی پرسش‌ها است.

روش دانشی: مجتمع تلاش‌های دانش است در درگیری‌های دانشمند برای معنی‌یابی، جهت‌دهی و یافتن نظرگاهی برای هستی جهان. روش دانشی تجلی دانش است در دانشمند و پرداختن دانشمند است به دانش: خودخواسته و آزادانه به مشاهده می‌پردازد، به پرسش می‌گذارد و پاسخ‌یابی می‌کند.

فن: راهکاری است که دانشمند در روش خود بکار می‌گیرد تا کارایی دانش را نشان دهد. پژوهش: همان دانش است در درگیری با موردها.

آزادی در توانمندی و ناتوانی دانش و فن آوری

دانش توانمند است و توان آن در خواستن، آزاد بودن و آگاه بودن است. نشانه‌های توانمندی در فرانگری، مشاهده کردن، پرسیدن، پاسخ‌یافتن، راهکار داشتن، دسته‌بندی کردن، ... نمایان می‌شود.

هر نشانه دانشی هر چه پرتوانتر باشد عاملی موثرتر در رشد دانش است. ناتوانی دانش در ناآگاه بودن، آزاد و خودخواست نبودن است. در چنین حالت‌هایی است که آسیب‌شناسی دانش ضرورت پیدا می‌کند:

آسیب دانش در شناسایی و ناشناسی آن است: در فرهنگنامه‌ها، در روش‌های تحقیق و در متن برنامه‌های دانشگاهی دانش از خود بیگانه ناشناس و بی‌نشان است. معین در فرهنگنامه از مصباح‌الهدایه با تکیه به منطق ارسطو و پیروانش دانش را "ادراک مطلق با حصول اشیا نزد عقل..." می‌داند و آن را در تاریکی الفاظ گم می‌کند. عباسقلی خواجه نوری در روش تحقیق دانش را "معلوم کردن و دانستن روابط علت و معلول..." می‌نامد و ناشناس باقی می‌گذارد، در بسیاری از برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها رشته‌ها و شاخه‌های دانش بی‌نشان است، درباره "روانشناسی بالینی" آمده است شاخه‌ای از علوم انسانی است و از درخت گمنام علوم انسانی هیچ نشانی نمی‌دهد، بی‌پروا و بی‌حوصله می‌گذرد، دانشجو را در نادانی نادانی، روانپزشک مانند، باقی می‌گذارد. بندرت در دانشگاهها و حوزه‌ها کمتر دانشمندی را می‌یابیم که سر بردارد و هستی خود را به پرسش بگذارد: با این کوله بار بنام دانش از کجا آمده‌ام، به کجا می‌روم، چگونه رشد می‌کنم؟ چگونه کارآور می‌شوم؟ چگونه راهکار پیدا می‌کنم و فن‌آوری می‌سازم؟ که هستم، که می‌خواهم باشم و که باید باشم؟

آسیب‌های دانش و فن‌آوری

هر دانشمند فن‌آوری‌ها را می‌آفریند تا دانش خود را در آنها بشناساند، معنی و جهت دهد. فن‌آوری وقتی پرتوان است و کارایی دارد که ساخته راهکارهای دانش و تلاش دانشمند در مشاهده کردن، فرانگری داشتن، پرسش نمودن و پاسخ یافتن باشد در هر فن‌آوری دانش و دانشمند یکجایی، همزمانی، همزمانی و همکاری دارند در چنین وضعیتی کارایی، پایایی و روایی دانش بیشترین است. تاریخ دانش موردهای فراوانی دارد به عنوان مثال پاولف، فروید، دویی و فرنه را یادآور می‌شویم.

فن آوری پاولف: در بازتاب‌های شرطی (بی‌صدایی آزمایشگاه، آماده کرن و به مهار کشیدن سگ، ظهور همزمان گوشت و زنگ، شمارش و اندازه‌گیری قطرات بزاق، ثانیه‌های زمان...) مجتمع راهکارهایی است که مشاهده کردن‌ها، پرسش‌ها، پاسخ‌ها و نظرگاه پاولف را یکجا و همزمان نشان می‌دهد.

فن آوری فروید: در روانکاوی آرام گرفتن مراجع روی تخت "دیوان"، قرار گرفتن روانکاو بالای سر او، ساکت و نیمه روشن بودن فضا، دعوت به تداعی آزاد، سکوت، تایید با آوایی کوتاه تفسیر تداعی‌های آزاد... نشان هم‌زمانی دانش، روش، تلاش، نظرگاه و راهکارهای روانکاوی است.

فن آوری فرنه: شیوه متن آزاد است: شاگردان را در گردش دانشی به مشاهده آزادانه و نوشتن مشاهدات خود راهنمایی می‌کند متن‌های تهیه شده را به رای می‌گذارد و از آن میان متنی را که بیشترین رای را آورده به عنوان متن اصلی برای تدریس انتخاب می‌نماید.

آزادی در ناتوانی دانش و فن آوری: نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دانش و فن آوری در چند وضعیت توانمندی خود را از دست می‌دهند و آسیب‌دیده می‌شوند:

- فن آوری فرزند و دست پروده دانش نباشد.
- دانشی از زایش فن آوری‌های تازه بازمانده است.
- دانشی، فن آوری دانشی دیگر شود.
- فن آوری به جای دانش گرفته شود.
- دانشمند در به کارگیری فن آوری خودخواستگی، آزادی و آگاهی نداشته باشد.
- فن آوری دانش را از خودخواستگی، مشاهده، فرانگری، پرسیدن و پاسخ‌یابی باز دارد.
- فن آوری در جهت، معنی و نظرگاهی که دانش دارد به کار گرفته نشود.

نمونه و مورد‌های آسیب‌دیده دانش:

دانش‌های روان‌درمانی، آمار و روانپزشکی را نمونه و مورد می‌آوریم. برخی از ناتوانی‌ها و آسیب‌های آنها را شناسایی می‌کنیم.

آسیب و ناتوانی در روان‌درمانی و روانپزشکی: در برنامه‌های دانشگاهی ما، دانش روان‌درمانی مانند بسیاری دیگر از دانش‌ها بی‌نشان، ناشناس و بیگانه است شاخه‌ای، رشته‌ای،

دانشکده‌ای گروهی را به نام روان‌درمانی نمی‌یابیم، تنها در دانش‌های مشاوره، روانشناسی بالینی، روانپزشکی، از آن یاد می‌شود: با نام‌های خانواده‌درمانی، گروه‌درمانی، روان‌درمانی‌های انفرادی بکار می‌آید در چنین وضعیتی، از یک سو دانش روان‌درمانی را با فن‌آوری اشتباه می‌گیرند، و از سوی آن را ناتوان از آزادی و خواست ساخته‌اند: آئین‌نامه‌های نظارت بر درمان و نظام پزشکی آزادی و خواست را از روان‌درمانی و روان‌مانگر سلب کرده است، آن را در بند و اسیر روانپزشکی ساخته است، آئین‌نامه می‌گویند: روان‌درمان، تحت نظر روانپزشک باشد. در این فرمان روانپزشکی و روان‌درمانی هر دو صدمه دیده‌اند: روان‌درمانی به فن‌آوری ناتوانی برای روانپزشکی تبدیل شده است و روانپزشکی از زایش و ابداع فن‌آوری بازمانده است. فن‌آوری‌های روانپزشکی، اگر روزی تولد یابند، نام "فن‌روانپزشکی" یا "فنون روان‌درمانی پزشکی" را دارند. روان‌درمانی و روانپزشکی، آسیب دیده از یکدیگر، در وضع موجود نمی‌توانند همکاری کنند، پیوند نمی‌خورند، فن‌آوری‌های این پیوند را ندارند: از فن‌آوری‌هایی که امروز با نام (همکاری در درمان) و یا (درمان با همکاری) شناخته شده است بی‌خبرند، هر دو آسیب دیده‌اند، دو عضو آسیب‌دیده را نمی‌توان پیوند زد، یکدیگر را پس می‌زنند و آسیب دیده‌تر می‌سازند.

دانش‌ها و دانشمندان اگر نشانی‌ها و توان خود را داشته باشند یکدیگر را می‌شناسند، خود به خود با یکدیگر جوش می‌خورند، به یاری و همکاری با هم می‌پردازند، اینها آشنایان دیرینند، دانشمندان، همدلان، هم‌ازان و همکاران ازلی و ابدی هستند. دنیای دانش، دنیای آرامش‌ها، روشنی‌ها، و دوستی‌ها است. هیچ دانشی و دانشمندی، دانش و دانشمند دیگر را تحت نظر و فرمان خود نمی‌خواهد، آزادی و خودخواستگی آن را پایمال نمی‌کند.

آسیب و ناتوانی از آئین‌نامه و بخشنامه

در دانشگاه‌ها آئین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها، فن‌آوری بکارگیری دانش است: تنها دانشمند است که می‌تواند آئین‌نامه‌های دانش را بیاندیشد و بنویسد و هم اوست که به آزادی و خودخواستگی دانش خود و دانش‌های دیگر آگاهی دارد و ارج می‌نهد: دانش‌ها را یگانه و آزاد می‌بیند نه در نظارت دیگری، بر آن است که در آئین‌نامه آزادی و خودخواستگی دانش و دانشمند آسیب‌دیده و ناتوان نشود:

آئین‌نامه‌های روان‌درمانی را روان‌درمانگران، فیزیک را فیزیکدانان می‌نویسند و همان‌ها اجرا می‌کنند. و گرنه دانش رشد نمی‌کند و معلول می‌ماند.

در دانشگاه‌های ما، فن‌آوری‌های آئین‌نامه‌ای، دانش و دانشمند را در اطاق‌های تنگ چند نفری، زندانی و به زنجیر می‌کشد، حضور غیاب می‌کنند، آزمایشگاه‌ها، کتابخانه‌ها را قفل و بند می‌زنند، برای اندیشیدن، و دانش‌ورزی وقت و زمان تعیین می‌کنند: با شفتگی در این کاغذها می‌خوانیم که بیش از دویار حق ندارید در کنگره و سمینار شرکت کنید، کلاستان را در این جا تشکیل دهید، دانشجویان را به اینجا ببرید به آنجا نبرید، ساعت ۸ بیاید و ساعت ۱ بروید، در این مجله یا آن مجله چیزی بنویسید، بیش از چند مجله نمی‌توانید بخرید، امتیاز و ارزش دانشی شما در آن است که نوشته‌هایتان در این مجله خاص چاپ شود، برای پژوهش سیاست‌گذاری کرده‌ایم، با سیاست‌ها هماهنگی کنید وگرنه سیاست می‌شوید!

این فن‌آوری‌ها از کجاست؟ فرزندان ناخلف کدام دانش است؟ دانش مدیریت دانشگاه‌ها؟! این چه دانشی است؟ آن هم در بی‌نشانی، ناشناسی، ناآشنایی و بیگانگی با دانش‌های دیگر همسانی دارد! این دانشمندان مدیریت دانشگاه‌ها چه کسانی هستند؟ آیا طعم خودخواستگی، آزادی و آگاهی دانش و دانشمندی را چشیده‌اند؟ پس این فن‌آوری‌های کشنده زهرآلود آئین‌نامه‌های دانشگاهی چیست؟

آسیب در طرح‌ها و رساله‌های پژوهشی

در دانشگاه‌ها طرح‌های پژوهشی فن‌آوری‌هایی است که بی‌رحمانه، دست و پای دانش و دانشمند را می‌بندد، در واقع وصیتنامه و کالبد تشریح شده مرده‌ای گمنام است و دانشگاه‌ها گورستان تاریک رساله‌هایی است که با این وصیتنامه‌ها نوشته شده است. روش‌های پژوهشی وصیت شده دانشجویان را از تلاش‌های خودخواست و آزاد باز می‌دارد و در اسارت کتاب‌های روش تحقیق آماری که موجوداتی شبه دانش و شبه فن‌آوری است به قلابه و زنجیر می‌کشد... برای نمونه طرح‌های پژوهشی دانشگاهی را از سه نهاد بلند پایه پژوهشی کشور گرفته‌ایم.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمای (۱۲) نمای آسیب‌دیده طرح‌ها و رساله‌های پژوهشی دانشگاهی

| فرهنگستان علوم | دانشگاه تهران | دانشگاه آزاد اسلامی |
|-------------------------------|---------------------------------|-------------------------------|
| پرسشنامه طرح‌های جدید | فرم پیشنهاد طرح پژوهشی | فرم طرح تحقیقی یا پرسشنامه |
| ۱- نام و نشانی | ۱- خلاصه اطلاعات طرح عنوان، | طرح پژوهشی |
| ۲- گروه علمی | نوع (بنیادی، کاربردی، توسعه‌ای) | ۱- نام مسئول طرح |
| ۳- عنوان و نوع طرح | ۲- مراحل تصویب طرح | ۲- عنوان طرح |
| (بنیادی - کاربردی - توسعه‌ای) | ۳- مشخصات مسئول اجرا | ۳- امضا مسئول |
| ۴- خلاصه طرح | ۴- مشخصات طرح‌دهندگان | معاون، رئیس دانشکده، مدیر کل، |
| ۵- شرح کامل | ۵- انتشارات مهم علمی طرح‌دهنده | معاون پژوهشی |
| - تعریف مساله - | ۶- طرح‌های پژوهشی در دست | ۴- اولین بار یا ... |
| فرضیه‌ها | اجرا طرح‌دهنده | ۵- بودجه در خواست شده |
| ضرورت | ۷- مشخصات همکاران اصلی | بودجه مورد نیاز در سال |
| نتایج و موارد کاربرد | ۸- نتایج طرح | ۶- چکیده طرح |
| ۶- موسساتی که از نتایج | ۹- سازمان‌های همکاری با طرح | ۷- از اجرای طرح پژوهشی |
| استفاده می‌کنند | ۱۰- مشخصات موضوعی طرح | ۸- سابقه طرح |
| ۷- سابقه علمی طرح | متمم (هدف) | ۹- محل‌های انجام طرح |
| پژوهش‌های انجام شده در زمینه | ضرورت | ۱۰- شرح کامل طرح |
| طرح | فرضیه | روش؟ |
| ۸- اطلاعات هزینه | خلاصه | نحوه اجرا؟ |
| مشخصات مجریان و حق‌الزحمه | کلیدواژه‌ها | جدول زمان‌بندی پیشرفت؟ |
| وسایل مورد نیاز و هزینه | سابقه طرح | ۱۱- هزینه‌ها |
| تجهیزات ضرورت تجهیزات | ۱۱- مشخصات اجرایی طرح | هزینه پرسشی |
| ۹- خدمات و روش | شرح دقیق روش‌ها و فنون | تجهیزات (مصرفی و غیرمصرفی) |
| ۱۰- جدول زمان‌بندی و علمی | ضرورت مسافرت | مسافرت |
| انجام پژوهش | مراحل اجرایی گزارش پیشرفت | متفرقه |
| ۱۱- گزارش پیشرفت پژوهش | نحوه ارائه نتایج | ۱۲- انتظار کمک |
| ۱۲- نتایج طرح و تجهیزات آن | رساله‌های حاصل از طرح | ۱۳- سابقه علمی طرح‌دهندگان |
| ۱۳- مبلغ قرارداد | ۱۲- برآورد هزینه | ۱۴- مراحل تصویب طرح |
| ۱۴- مراحل تایید و تقویت طرح | مشخصات پرسش | - گروه |
| شورای گروه شورای پژوهشی | هزینه مواد با تفکیک سال اجرا | - معاون، رئیس و مسئول |
| دانشکده | هزینه مواد مصرف شدنی | پژوهشی واحد |
| شورای پژوهشی دانشگاه | هزینه مسافرت تفکیک سال | - شورای پژوهشی مرکزی |
| | هزینه انتشار مقاله | - معاونت پژوهشی |
| | جمع هزینه به تفکیک سال‌های | |
| | اجرا | |

در نمای (۱۲) طرح‌های پژوهشی دانشگاهی به ترتیب از ۵، ۱۰ و ۱۱ صفحه بزرگ محتوی آنها در ۱۲ بند تا ۱۴ بند، ۲۵ تا ۳۵ ماده و دربردارنده ۵ تا ۲۰ جدول کوچک و بزرگ است. و بیش از ۲ تا ۳ چهارم آنها برای محاسبات مالی، هزینه‌ها و اطلاعاتی است که یا بکار نمی‌آید و یا پژوهشگر را از کار باز می‌دارد.

یافته‌هایی از آسیب‌های پژوهشی دانشگاهی

اگر از دیدگاه پرسش‌های ارزیابی پژوهش دانشی نمای (۱۰) به طرح‌های پژوهشی دانشگاهی در نمای ۱۲ بنگریم پاسخ‌ها یا هیچ، یا ناقص و یا مبهم است.

(نمای ۱۳) ارزیابی آسیب‌دیدگی پژوهش‌های دانشگاهی

| وضعیت‌ها | تلاشگر و تلاش‌ها | پاسخ‌ها |
|----------------------|---------------------------|----------------------------------|
| زمینه‌ها | پژوهشگر دیدگاه مورد | ناقص هیچ ناقص |
| دانش پژوهی بنیادی | مشاهده پرسش پاسخ | ناقص، مبهم ناقص ناقص، مبهم |
| دانش ورزی کاربرد | معنی دادن | ناقص |
| دانش پردازی گسترش | جهت دادن | ناقص |

نمای ۱۳ نشان می‌دهد که پژوهش دانشگاهی برای هیچ یک از پرسش‌های پژوهش دانشی پاسخی کافی ندارد؛ یا هیچ است، یا ناقص و یا مبهم، هنگام آن رسیده که بگوییم: چرا پژوهش‌های دانشگاهی دانشی نیست؟

سردگردالی

سه پرسش زمینه: پژوهشگر، دیدگاه و مورد

۱- آیا از پژوهشگر خواسته شده که استادان خود را در دانش‌اندوزی و دانش‌پژوهی

معرفی کند؟

۲- آیا از پژوهشگر خواسته شده تا دیدگاه دانشی را که از آن به مورد پژوهش می‌نگرد

روشن کند؟

۳- آیا از پژوهشگر خواسته شده که جایگاه مورد پژوهش را در یک یا چند زاویه از

دیدگاه دانشی خود نشان دهد؟

پرسش‌های سه گانه زمینه‌ساز اصلی هر پژوهش دانشی است: بدون هر یک از آنها پژوهش ممکن نیست، با همی آنهاست که انجام، روشنی و متمایز بودن تلاشگری‌های پژوهش دانشی را تضمین می‌کند، به پژوهشگر یاری می‌دهد که مقام و نقش خود را در آنچه می‌کند دریابد و با خود باوری و استحکام گام بردارد:

پرسش نخست: درگیری‌های پژوهشگر را با دانش و تلاشگری‌های او را با دانشمندان به پرسش می‌گذارد و از او می‌خواهد تا آنها را بشناساند، روش‌ها، شیوه‌ها و راه‌کارهای دانشی را که در آنها مشاهده کرده است متمایز کند:

آماده‌ساز پژوهشگران دانشی وقتی ممکن است که با یک یا چند استاد پژوهشگر دانشی هم زیستی کرده باشد، در آزمایشگاه‌ها، کلینیک‌ها، کارگاه‌های آنان بکار پرداخته باشد.

در طرح‌های پژوهشی دانشگاهی از توانایی‌های آفرینندگی و قابلیت‌های پژوهشگر در تلاشگری‌های دانشی، دیدگاه‌های دانشی و ارتباط آنها با مورد پژوهش چیزی نمی‌پرسند، در عوض اطلاعاتی را خواسته‌اند که گمراه کننده است و صورتی کلی و مبهم از آمادگی‌ها و زمینه‌های پژوهشی دانشی بدست می‌دهد پژوهشگر را به بیراهه می‌کشاند و از اندیشیدن دانشی باز می‌دارد. در واقع پژوهش بدون آمادگی و بدون داشتن زمینه‌ای محکم شروع می‌شود.

پرسش دوم و سوم: از پژوهشگر خواسته است تا موضع‌گیری و دیدگاهی را که از آن به مورد پژوهش می‌نگرد روشن سازد مثلاً اگر روانشناس است بگوید از چه دیدگاهی و از چه زاویه‌ای از روانشناسی به مورد پژوهش می‌نگرد. به همین ترتیب اگر فیزیکی‌دان و یا زیست‌شناس است.

بدون پاسخ روشن و متمایز به پرسش‌های سه گانه، بجای پژوهشگران دانشی با مردانسی و زنانی سرگردان سروکار داریم که از هستی دانشی خود جدا مانده‌اند و در تاریکی گم شده‌اند.

پراکندگی اندیشه

در طرح‌های پژوهش دانشگاهی بجای روشن کردن قابلیت پژوهشگر دیدگاه و مورد پژوهش و دادن تصویری پویا و زنده از زمینه‌های پژوهش در یک موضع‌گیری گمراه کننده دانش را به کالبدی قطعه قطعه شده و بی‌جان تبدیل می‌کند و هر قطعه از آن را نوعی خاص از دانش و پژوهش می‌پندارد: از دانش یا پژوهش بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای نام می‌برند و با توضیحات گمراه کننده‌تر به پراکندگی اندیشه پژوهشگر می‌افزایند.

در نمای (۱) نشان دادیم که دانش یگانه است و تلاشگری‌های آن در سه وضعیت دانش پژوهی، دانش‌ورزی و دانش‌پرداز پیوستگی و با همی دارد.

در وضعیت دانش‌پژوهی (بنیادی) با مشاهده، پرسش و پاسخ‌یابی به آفرینندگی می‌رسیم، با مبانی و زیرسازهای دانش و سر و کار داریم: بنیادی‌ترین تلاش دانش مشاهده کردن، به پرسش گذاشتن و پاسخ‌یابی کردن است.

در وضعیت دانش‌ورزی (کاربردی)، پاسخ‌ها و قوانین پیدا شده را در هستی‌های جهان می‌بریم (کاربردی) و به آنها معنی می‌دهیم. در اینجا است که به ساختن و پرداختن فن‌آوری‌های تازه و انتخاب راه‌کارهای نو برای درگیری‌های بیشتر دانش با موردها می‌پردازیم: معنی دادن به یک چیز، به کاربردن، نشان دادن و پیدا کردن پاسخ‌های دانشی درباره آن چیز است در هستی‌های جهان.

در وضعیت دانش‌پردازی (توسعه‌ای) تلاش برای گسترش و ژرفا بخشی به دیدگاه‌های دانش است: پژوهشگر همراهی و همسازی دیدگاه خود را با دیدگاه‌های دیگر دانش نشان می‌دهد و زوایای تازه‌تری را در دانش خود ردیابی می‌کند.

در طرح‌های پژوهش دانشگاهی، پژوهشگر دانش شناخت روشن و متمایزی از وضعیت‌های سه گانه خود و جدایی ناپذیری آنها ندارد، کالبد قطعه، قطعه شده‌ای را می‌ماند که از دانش و پژوهش تصویری نادرست و چندگونه بدست می‌دهد، اندیشه‌ای درهم ریخته، از هم گسسته و سرگردان است.

سه پرسش در دانش پژوهی:

۱- آیا خواسته شده است که نخستین مشاهده خود را از مورد و چگونگی درگیری‌هایش با آن روشن کند؟

۲- آیا پرسیدن و به پرسش گذاشتن با آزادی، آگاهی و خودخواستگی بوده است؟

۳- آیا در پاسخ‌یابی، روش و شیوه‌های پژوهش ساخته و پرداخته خود اوست؟ یا در کاربرد روش‌ها و راه‌کارهای از پیش ساخته تاکید دارد؟ و مقلد بی‌چون و چرای دیگران است؟ آیا در تمام تلاش‌های خود آزاد بوده است؟

خیمه‌شب‌بازی؟!

طرح‌های پژوهشی دانشگاهی پژوهشگر را به عروسک خیمه شب‌بازی تبدیل می‌کند که در جسم بی‌جان و توخالی وسیله دست و پیرو اندیشه، راه و رسم دیگران است. دانش پژوهی، وضعیت بنیادی و اساسی دانش است. در حالی که پژوهشگر خداوندگار دانش است به فرمان خواست، آزادانه، با تمام حواس و با تمام امکانات هستی دانشی خود با مورد درگیری می‌شود، و آن را مشاهده می‌کند، با فریاد پرشور و شوق آزادی به پرسش می‌گذارد، از هر سو و در هر جهت با آگاهی‌ها، تجربه‌ها و دیدگاه‌ها خود بازبینی می‌کند با روش‌ها و شیوه‌های خودخواسته و خودساخته جستجوگر پاسخ است:

با فراوانی پرسش‌ها دانش خود را گسترش می‌دهد و با افزایش پاسخ‌های به دانایی‌های خود ژرفا می‌بخشد بدینوسیله وظیفه خداوندگاری و آفرینندگی خود را به انجام می‌رساند: آفریننده قانون‌ها، ره‌گشای دیدگاه‌ها، نمایشگر روش‌ها، شیوه‌ها و تجسم دهنده انسان دانشمند با شایستگی جانیشینی خداوند بر زمین است.

چشم بسته

در طرح‌های پژوهشی دانشگاهی، پژوهشگر نابینا است هیچگاه از او نخواستند که مشاهده کند، و نپرسیده‌اند کجا، چگونه و چه موردهایی را مشاهده کردی؟ از پژوهشگر می‌خواهد تا چشم بسته بگوید مساله (مورد سوال) عنوان و موضوع چیست؟ بلافاصله می‌خواهد درباره چیزی که ندیده است، بدون آگاهی چشم بسته غیب‌گویی کند: پیشاپیش هدف‌ها، ضرورت‌ها و نتایج آنها را برشماری کند.

واژه‌های سرگردان

در نخستین برگ‌های طرح‌های پژوهشی واژه‌های "طرح"، "عنوان طرح"، "نوع طرح"، "مساله طرح"، "فرضیه طرح"، "مفروضات طرح"، "اجرای طرح"، "انجام طرح"، "نتایج طرح"، "خلاصه طرح"، "شرح کامل"، آمده است. هریک از این واژه‌های کلی و مبهم، پرسشی است در سرگردانی و سرگردان کننده: واژه "طرح" که نما و قالب است به جای محتوی که تلاش‌های پژوهشی است، به کار می‌رود. واژه‌های "عنوان" و "مساله" چه رابطهای با هم دارد آیا یکی و همان مورد مشاهده نیست؟ این واژه‌ها القا دوگانگی می‌کنند و پژوهشگر در مانده در قالب طرح دانشگاهی نمی‌داند که مساله همان عنوان است و عنوان همان پرسش اصلی است که در مشاهده برای پژوهشگر پیدا شده است.

از واژه "فرضیه‌ها" و "مفروضات" چه می‌خواهند؟ آیا، اینها چیزی به جز پرسش‌هایی است که بدنبال پرسش نخست برای پژوهشگر پیدا شده است؟

آیا فرضیه‌ها همان کالبد بی‌جان پرسش‌ها نیستند؟! و اگر آنها را پاسخ‌های نخستین و اثبات نشده پرسش‌ها بدانیم، پس چرا نخست از پرسش‌ها نمی‌پرسیم؟! و چرا آنها را در همان قالب پویا و جاندار پرسشگری باقی نمی‌گذاریم. چرا پژوهشگر را از پویایی مشاهده و پرسش باز می‌داریم؟! چرا نمی‌خواهیم که پرسش کند و در نهایت بگوید که برای کدام پرسش پاسخ یافته است و برای کدام پرسش در جستجوی پاسخ است؟!

واژه‌های "اجرا"، "انجام" و "روش" را مترادف بکار برده‌اند، در واقع این واژه‌ها بجای پاسخ‌یابی در وضعیت دانش‌پژوهی بکار رفته است: چه چیز را مشاهده کرده‌اید؟ چه پرسشی دارید؟ و چگونه می‌خواهید پاسخ‌یابی کنید؟ آیا تلاش‌های پاسخ‌یابی همان شیوه و روش‌های خود ساخته پژوهشگر نیست؟

واژه‌های هدف، نتایج، خلاصه، شرح کامل و روش بیش از بیش سرگردان کننده است:

آیا هدف، همان پاسخ پرسش و یا پرسش‌هایی نیست که پس از مشاهده پیدا شده است؟ و آیا، هدف، پاسخ‌هایی نیست که برای فرضیه و مفروضات می‌خواسته است؟! از این واژه چه می‌خواهد؟ تا دوباره همان واژه‌های سرگردان را با سرگردانی بیشتر تکرار کنیم؟!

واژه‌های نتایج، خلاصه را وقتی بکار می‌بریم که بخواهیم پایان تلاشگری‌های خود را گزارش کنیم: پاسخ‌هایی را که یافته‌ایم و موادی که می‌توانیم از آنها استفاده کنیم، نشان دهیم. در طرح‌های پژوهش دانشگاهی در نخستین گام‌ها می‌خواهند از کاری که انجام نداده‌ایم خلاصه‌گویی و نتیجه‌گیری کنیم. واژه‌های "شرح کامل" و روش در پژوهش شرح

تلاشگری‌هایی است که پژوهشگر از آغاز تا پایان داشته است. چگونه می‌توان از کاری که نکرده‌ایم و راهی را که نرفته‌ایم شرح کامل بدهیم؟!

دانش آفریننده است و نخستین آفریده او خود اوست: روش، شیوه‌ها و راه‌کارهایی که پژوهشگر دانش پیش می‌گیرد در هر هنگامه و در هر گام برای گام بعدی انتخاب می‌شود. بزرگترین ره‌آورد پژوهش دانشی همان روش، شیوه‌ها، و راه‌کارهایی است که پژوهشگر در هنگامه‌های پژوهش ابداع می‌کند. شرح کامل پژوهی دانشی، همان شرح کامل روش‌ها، شیوه‌ها، راهکارها و تلاشگری‌هایی است که پژوهشگر داشته است. آنها را برای بیدار باش آیندگان به جای گذاشته است نه برای آنکه کورکورانه تقلید کنند. اینهمه بدون آزادی، آگاهی و خودخواستگی میسر نیست.

پاسخ‌یابی، تلاش‌های پویا و خود ساخته پژوهشگر است. پس از پژوهش است که می‌توان گفت پژوهشگر چگونه تلاش کرده است، در کجا با چه ابزارهایی، چه شیوه‌هایی و چه راه‌کارهایی را بکار بسته است. روش پژوهش از بزرگترین ره‌آوردهای هر پژوهش است با فرانگری در تلاش‌های پژوهشگر است که می‌توان گفت چگونه اندیشیده است. طرح‌های پژوهشی دانشگاه آزادی، خواست و آگاهی را از پژوهشگر می‌گیرد. او را چشم بسته و دست و پا در زنجیر به راهی می‌کشد که نمی‌داند برای چیست و وا می‌دارد تا با پا و عصای دیگران راه برود.

پژوهشگر را محدود می‌کند و توان او را کاهش می‌دهد: از آفرینندگی باز می‌دارد و در زنجیر اسارت می‌کشد تا دست و پا بزنند، خیال دانش پژوهی، دانش‌ورزی و دانش‌پردازی را از سر بدر کند.

طرح‌های پژوهشی دانشگاهی نه تنها بر دیدگاه روشنی از دانش متکی نیست بلکه با دادن نمایی مبهم و ناقص از دانش، پژوهشگر را دچار سرگردانی، و پراکنده اندیشی می‌کند. در حال حاضر (۱۳۸۰) سالیانه پیش از پانزده میلیارد تومان صرف حدود ده هزار رساله کارشناسی ارشد و دکتری می‌شود و سالیانه حدود پنج میلیارد تومان به آن اضافه می‌گردد، هر سال بیش از پانزده هزار از برجسته‌ترین و برگزیده‌ترین دانشجویان و استادان درگیر پژوهش می‌شوند و در چهارچوب طرح‌های پژوهشی آسیب می‌بینند، با این خرج‌ها و رنج‌ها، نه حاصل چشم‌گیری دارد و نه موفق به آماده‌سازی پژوهشگرانی با دانش و اندیشمند می‌شویم.

برداشت‌ها:

دانش هستی زنده‌ایست که خودخواست تلاش می‌کند، خواست‌های دانشی آزادانه و آگاهانه است. توانمندی دانش در آزادی، آگاهی و خودخواستگی است. دانش زاینده است: خودزا، دگرزا، درون‌زا، و برون‌زا است. دانش با کاربرد قوانین خود در نمونه‌ها و موردها معنی پیدا می‌کند و در باهم سازی خواست، آزادی و آگاهی جهت‌دار می‌گردد. اعتبار و پایانی در دانش در برجستگی و کارایی پرسش‌ها و پاسخ‌هایی است که خواست‌های آزادانه و آگاهانه را بیشتر نمایان می‌سازد. دانشمند با نهایت هستی و با تمام حواس با خود و با چیزها درگیر می‌شود، مشاهده می‌کند، می‌پرسد و پاسخ‌یابی می‌نماید و این همه را با فرانگری، جهانی، جاویدان و جهت‌دار می‌سازد. دانش‌فرانگر است در موضعی برتر به مشاهده تلاش‌های خود در جهان می‌پردازد. دانش نوآور و آفریننده است، از برون و درون پرسشگر و پاسخ‌یاب است: با هر پاسخ قانونی را کشف می‌کند.

- دانش با کاربرد پاسخها (قوانین) در نمونه‌ها و موردهای معنی پیدا می‌کند. و به هستی‌ها معنی و جهت می‌بخشد.

- دانش با ردیابی برجسته‌ترین پرسش‌ها و بازارآورترین پاسخ‌ها پایا می‌شود. هر دانش فن‌آوری خود را ابداع می‌کند تا بازارآوری و کارآرایی پرسش‌ها و پاسخ‌هایش را نشان دهد. فن‌آوری‌های یک دانش، وقتی بار آور است و کارآرایی دارد که زاینده و فرزند همان دانش باشد.

- آزادی، آگاهی و خواست دانش و دانشمند نشان توانمندی و آسیب‌ناپذیری است.

- دانش در فراوانی آزادانه پرسش‌ها گسترده می‌شود و در افزایش پاسخ‌ها ژرفا می‌یابد و رشد می‌کند.

- پیدایش معنی، جهت، حساسیت دانش درخواست‌های آزادانه و آگاهانه است: دانشمند نمونه‌ها، موردها، پرسیده‌ها و پاسخ‌ها را از دریچه‌های حواس، در سطح‌ها، سمت‌ها، زوایا و بعدها، در جایجایی، در کوچکی و بزرگی، در فرصت‌ها... مشاهده می‌کند با آنها درگیر می‌شود و آنها را درگیر می‌کنند، به پرسش می‌گذارد و پاسخ‌یابی می‌کند در چنین وضعیتی پویایی و جاودانگی دارند.

- آزادی، آگاهی و خواست در پرسش و پرسشگری در پاسخ و پاسخ‌دهی در مشاهده و مشاهده‌گری، همزمانی و یکسانی دارد.

- رشد دانش در گستردگی، ژرفا، معنی، جهت و حساسیت در نظرگاه دانش پیدا می‌شود.

عرفان: دانش فن‌آوری را می‌آفریند تا خود را در آن بشناساند، دانش خدا است، سخنان پروردگار بزرگ هم همین است: آفریدم تا خود را بشناسانم، برای شناخت من هستی‌های جهان را مشاهده کنید به پرسش بگذارید، تکرار کنید تا به شما پاسخ بدهیم. من همه جا هستم و در همه چیز تجلی می‌کنم. مرا بیابید. دانشمند در تلاش‌های آزادانه، آگاهانه و خودخواست جلوه‌خداایی دارد.

جهان و تمام هستی‌هایش فن‌آوری الهی است: کوه‌ها، دریاها، آسمان‌ها، پشه‌ها، نهنگ‌ها، ذرات گرد و غبار، کهکشان‌ها و ستارگان، هر یک وضعیتی از پویایی آفرینندگی را روشن و متمایز می‌نماید، نظرگاهی جهتی و معنایی از هستی را به نمایش می‌گذارد. دانشمند با هر فن‌آوری خدای‌گونگی و شایستگی خود را در آفرینندگی برای جان‌شینی پروردگار نشان می‌دهد.

احکام (نماز، روزه، حج، ...) و عرفان فن‌آوری‌های الهی است برای افزایش حساسیت انسان در خدایی شدن: آزادانه، آگاهانه و خودخواست تلاش کردن است.

دانشمند از درون و برون به مشاهده تلاش‌های خود در جهان می‌پردازد: از یک سو خود را در آنچه کرده، می‌کند و خواهد کرد و از سوی دانش خود را در درگیری بسا جهانی بودن دانشی‌های دیگر به پرسش می‌گذارد و می‌کوشد تا برای هستی‌دانشی خود جهت، معنی، گستردگی و ژرفای جاودان بیابد. باوری به خداوند اگر آزادانه، آگاهانه و خودخواست، در اندیشه و عمل دانشمند بروز کند عرفان دانش است.

روزگاری منطبق ارسطو دانش را در انجماد الفاظ و قواعد سخن اسیر کرد بیشایی را از آن گرفت و از مشاهده بازداشت و یا اندک کرد و امروز فن‌آوری آمار دانشمند را کور و کر ساخته است و از اندیشیدن و خلاقیت خودخواست و آزادانه باز داشته است. هزار و چند صد سال گذشت تا دکارت بینایی دانش را به آن بازگرداند: بجای مطالعه طبیعت در کتاب‌ها به مشاهده کتاب بزرگ طبیعت پرداخت، از آن پس دانش در تلاش‌های مشاهده‌گری اسیر شد و دانشمندان به اندازه‌ای مجذوب مشاهده روشن و متمایز طبیعت شدند که توان آزادی در فرانگری را از دست دادند، کمتر توانستند برتر از خود و طبیعت گام نهند.

در آغاز این قرن جان دویی اسارت ارسطویی و جاذبه دکارتی دانش را در هم ریخت، پویایی همزمان دانش و دانشمند به آنان بازگرداند، آنها را بخود آورد، نشان داد چگونه با

فرانگری پیدایش و رشد دانش را در تلاش‌های دانشمند مشاهده کنیم، شریعتمداری^۱ با نظرگاه کنش‌گرایی علمی - دینی گامی بالاتر گذاشت: فرانگری را توان خدایی و جاودانگی دانش و خدای‌گونگی دانشمند یافت. نشان داد که چگونه می‌توان در باوری به خداوند به فرانگری در فرانگری‌های دانشمندان به دانایی دانایی‌ها رسید، جهانی و جاودان بودن آنها را در زمان‌ها دید و یکسانی و هم‌رنگی خدایی دانش‌ها را در این سو یا آن سوی جهان، در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها مشاهده کرد دانشمندان را هم‌دل و هم‌زمان در هم‌زستی خدایی دید، دنیای دانش‌ها و دانشمندان دنیای آزادگی، آگاهی و خودخواستگی است، دنیای خدایی، دنیای ایده‌های افلاطونی است. تمایزی میان دانش‌های حوزه‌ها و دانشگاه‌ها، از آن جهت که دانش‌اند نمی‌یابید. میان آنها جدایی نیست که پل بزنند. اینها در سخن افلاطون نیک - زیبا و در کلام قرآنی الهی هستند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ دکتر علی شریعتمداری نامه فرهنگستان علوم شماره ۱۶ سال ۱۳۷۹